

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده  
شهر اسن - المان

## قسم است

دل شده مایل. خوبان و به خوبان قسم است  
فکر و اندیشه جانان و به جانان قسم است  
تار و پودم به خدا سوخت، ز برق نگاهش  
مرهم و زخمی. پیکان و به پیکان قسم است  
تا که افتاد، به محراب جمالش نظرم  
بیربُود از کفم ایمان و به ایمان قسم است  
آخر از نعره تکبیر. قیامش به جهان  
ز آذان کر شده آذان و به آذان قسم است  
سر تسلیم و رضا، در قدمش بهر. فدا  
آرزوی همه قربان و به قربان قسم است  
شربت وصل چشیدم ز جمال صنمی  
که شدم کافر. قرآن و به قرآن قسم است  
بعد ازین مسجد و دیر و به کلیسا نروم  
زانکه از حلقه مستان و به مستان قسم است  
حال در معبد عشاق که بد نام شدم  
نکسُلم رشته پیمان و به پیمان قسم است

بيکس و کوی ، که افتاده به غربتکده ای  
مونس جان ، غم هجران و به هجران قسم است  
به خدا این غم هجران ، عوض می نکم  
به دولک حوری و غلمان و به غلمان قسم است  
لایق هر کس و ناکس نشود سوزش عشق  
عاشقان یکسره سوزان و به سوزان قسم است  
« نعمتا » ، خاک ره آنکه شدی خادم او  
بکشم سرمه به چشمان و به چشمان قسم است

( نهم اکتوبر 2002 )